

# نخستین کتابهای مهم عرفانی و تصوف اسلامی تا قرن پنجم هجری

زین الدین کیائی نژاد

دین اسلام بر اساس قرآن مجید و سنت پیامبر دینی معتدل، میان‌رو و جامع میان امور مادی و معنوی است که پیروان خود را باین میانه‌روی و اعتدال سفارش کرده و آنان را از افراط و تفریط بر حذر داشته است، بهمین لحاظ است که قرآن مسلمین را به امت «وسط» تعبیر فرموده است<sup>۱</sup> یعنی هم باید از نعمت‌ها و لذت‌های مشروع این جهان بهره برند و هم اینکه از آخرت و دنیای دیگر غافل نمانند و برای آن جهان نیز کارکنند، و شاید کنایه‌ای از این هم باشد که ملت اسلام نباید چون یهودیان، همه هم خود را بگردآوری مال و ثروت و لذت‌های دنیائی مصروف دارد و نه مانند مسیحیان یکسره برهبانیت پردازد و از نعمت‌های این جهان خویشتن را محروم سازد بلکه با عنوان «امت وسط» باید میان دنیا و آخرت توفیق دهد و در اندیشه هر دو باشد و از هر دو جهان استفاده کند.

در قرآن آیات بسیاری است که همه دلالت بر اعتدال و میانه‌روی دارد و در آنها توجه کردن امور معنوی و مادی هر دو توصیه گردیده است که در یکی از صریحترین آیات خطاب به پیامبر میفرماید: «وابتغ فیما اتاک الله الدار الاخره والانس نصیبک من الدنیا و احسن کما احسن الله الیک ولا تبغ الفساد فی الارض ان الله لا یحب المفسدین»<sup>۲</sup>.

احادیث بسیاری نیز وجود دارد که پیغمبر مردم را بمیانه روی و خودداری از افراط و تفریط در تمام امور حتی در عبادات دعوت و توصیه فرموده است و خود در میانه‌روی و اعتدال و سادگی نمونه بارزی بوده و حدیث «لارهبانینه فی الاسلام» معروف است. اسلام با این منطق و روش در زمان حیات پیغمبر در میان مسلمانان رواج یافت و آنان جز قرآن و تقریر رسول بچیز دیگری توجه نداشتند، در همه چیز اتحاد داشتند، حتی در گفتار و کردار و پندار، اگر اختلاف نظر و عقیده‌ای پیدا میشد آن را به پیامبر عرضه میداشتند و بدین طریق رفع اشکال و اختلاف میکردند.

اما این رویه چندان ادامه نیافت و با پایان زندگی پیغمبر پایان یافت. پس از وفات پیغمبر و اختلاف در تعیین خلیفه، و مخصوصاً پس از قتل عثمان و انشعاب در جمعیت متحد مسلمانان، بتدریج در افکار و عقاید آنان نیز اختلاف و تشتت پیدا شد و مسلمانان بچند دسته متخاصم منقسم شدند و با پیدایش عقاید مختلف سیاسی، عقاید مختلف دینی نیز پیدا شد و

۱ - «و کذا لک جعلناکم امته وسطا لتکون شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهیداً» و ما همچنان شما مسلمانان را امت وسط قرار دادیم تا سرمشق درستی برای مردم باشید چنانکه پیغمبر را سرمشق برای شما قرار دادیم - سوره بقره آیه ۱۴۳.

۲ - بجوی هر چیزی که خدا بتو عطا کرده، بکوش تا ثواب و سعادت دار آخرت را تحصیل کنی و بهره‌ات را هم از دنیا فراموش مکن و تا توانی بخلق نیکی کن چنانکه خداوند بتو نیکی و احسان کرده و هرگز در روی زمین فتنه و فساد بر میانگیز که خدا مفسدان را دوست نمیدارد. - سوره قصص آیه ۷۷.

سادگی و بساطت، دین اسلام به تشکّل و ترکیب گرائید.

در صدر اسلام مسلمانان جز نام اسلام بر خود چیز دیگری نمی‌نهادند، تقوی و زهد و پرهیزکاری و عبادت که از شعار و احکام اسلام بود، عملاً در مسلمانان وجود داشت بی‌آنکه خود را با این عناوین از دیگران ممتاز و جدا سازند، فقط عده مومنانی که درک مصاحبت و صحبت پیغمبر را نموده بودند «صحابه» نامیده می‌شدند و بر آن‌انکه بقیض صحبت صحابه نایل آمده بودند «تابعین» می‌گفتند<sup>۱</sup> صحابه و تابعین به پیروی از تعالیم اسلام یک زندگی عملی و معتدله داشتند و با رعایت احکام و حدود شرع بکار و کوشش در امور اجتماعی و زندگی مادی خویش می‌پرداختند و از حد افراط و تفریط بدور بودند در عین آنکه بنماز و روزه اشتغال داشتند، در عین حال در راه پیشرفت دین و فتوحات اسلامی میکوشیدند و بجنگ و جهاد می‌پرداختند، اما بطوریکه گفته شد این وضع و روش دوام نیافت و پس از وفات پیغمبر بر اثر اختلاف سیاسی اختلاف عقاید نیز شروع گردید و بحث در مسائل مختلف دینی، از قبیل جبر و تفویض آزادی اراده و حدوث و قدم قرآن و دیگر مطالب قابل توجیه و تأویل آیات قرآنی آغاز شد و با پیدایش اینگونه اختلاف‌نظرها و دسته‌بندی‌ها، عده‌ای خود را از معرکه بدور کشیدند و حالت انزوا و تجرد بخود گرفتند و از مسائل و وقایع روزانه اجتماعی و سیاسی خود را جدا ساختند و بتقوی و عبادت پرداختند و «زهاد» و «عباد» نام گرفتند، پس از آن مخصوصاً از زمان حکومت معاویه و رویه ناپسند او نسبت باصول و فروع دین اسلام و ستمگریهای بسیاری که در باره مردم مخصوصاً ملت‌های غیر عرب روا میداشت و بدنبال او خلفایش باستانه عمر بن عبدالعزیز اعمال و رویه او را ادامه میدادند یک حالت رخوت و عزلت در مردم بوجود آمد که بتدریج عده‌ای را در اندیشه توجیهاات و تأویلات دیگری نسبت با آیات قرآن و احکام اسلام انداخت، و علاقه خاصی نسبت بترك علائق دنیا و اهتمام بامور آخرت ایجاد کرد و جماعتی بنام «نساك» پیدا شدند و در این اوان است که پایه تصوف اسلامی بنا نهاده شد، اما تصوف این دوره و انزوا پیروان آن بیشتر برای آن بود که بهتر عبادت کنند و بیشتر بر موز آیات قرآن پی برند و بوسیله اوراد و اذکار بیشتر بخداوند نزدیک شوند و باو تقرب جویند، در سخنان و آثار زهاد و نساك این دوره، از افکار و اصطلاحات صوفیان بعدی، از قبیل «عشق و محبت»، «وحدت وجود»، «فنا و بقا»، «صحو و سکر»، «قبض و بسط»، «وجد و حال»، «محو و اثبات» و مانند آنها بهیچوجه دیده نمی‌شود، تصوف در این عهد در واقع طریقه عملی بود، نه مسائل نظری، زهاد این دوره کاملاً پابند بدین و شریعت بودند، و از مجادلات نظری و علمی که بعدها در تصوف پیدا شد و صوفیه را بنام فرقه مخصوص ممتاز ساخت دور بودند.

در حدود نیمه آخر قرن دوم هجری در میان مسلمانان دسته خاصی پیدا شدند که زندگی عجیب و خاصی داشتند و با دیگر مردم از حیث وضع زندگی و رفتار و حالات شباهتی نداشتند که بتدریج نام «صوفی» بخود گرفتند و با لباس پشمینه و خشن و زندگی دور از اجتماع و گوشه‌نشینی و انزوا ممتاز از دیگران شدند که یکی از معاریف و مشاهیر آنها ابراهیم بن ادهم است که گویند شاهزاده بلخی بوده و از شهر و مقام خود چشم پوشید و در غاری در نزدیکی نیشابور بسر برده و چهارده سال در بیابانها گذرانده است<sup>۲</sup>.

در قرن سوم و چهارم هجری، تصوف بمرحله رشد و کمال رسیده و تصوف از مرحله بساطت و سادگی خود که در اوایل کار داشته در این قرون به ترکیب و اشکال گرائیده و مباحث نظری مطرح شده است. در این قرون تصوف بتدبیر و تفکر پرداخته و از مرحله عملی که در بدو امر مورد توجه بوده بمسائل نظری روی گردانیده است و بشرح عقیده صوفیه و عقاید و آراء آنها پرداخته شده است و شروع به تجزیه و تحلیل آراء آنها و تفسیر عبارات و اصطلاحات و الفاظ مخصوص آنها گردیده و بتألیف و تصنیف کتابهای خاص درباره صوفیه

و عقاید و آراء و احوال آنها توجه شده و نخستین آثار و کتب مخصوص در این باره بوجود آمده است .

\* \* \*

پس از ذکر این مقدمه کوتاه درباره چگونگی پیدایش تصوف در اسلام که برای معرفی نخستین ، کتابهایی که درباره عرفان و تصوف بعد از اسلام تا قرن پنجم هجری تألیف گردیده ، لازم مینمود اینک بمعرفی مهمترین کتب مذکور بترتیب تاریخ وفات مؤلفان آنها می پردازیم .

۱ - کتاب «اللمع فی التصوف» تألیف ابونصر عبدالله بن علی سراج طوسی متوفی ۳۷۸ هجری معروف به «طاوس الفقراء» این کتاب ظاهراً قدیمیترین و روشن ترین کتابی می باشد که در موضوع تصوف از قدما مانده و از این لحاظ میتوان گفت که پایه و مایه کتابهای بعدی است که در تصوف نوشته شده است بطوریکه ابونصر خود در این کتاب تصریح کرده کتاب لمع را بخواهش یکی از باران خود نوشته است .

در کتاب اللمع علاوه بر مطالب مخصوص مربوط بتصوف از قبیل «مقامات» و «احوال» مسائل و مطالب گوناگون دیگر نیز مورد بحث قرار گرفته و هر کدام بنحوی با تصوف ارتباط داده شده است مندرجات کتاب مشتمل بر مقدمه و ۱۳ «کتاب» و ۱۵۱ باب و دو فصل می باشد که فهرست آن بشرح زیر است :

#### مقدمه کتاب

باب - در بیان علم تصوف و مذهب صوفیه و اینکه آنان اولوالعالم و قائمین بقسط میباشند .

باب - در بیان وصف طبقات اصحاب حدیث و تخصیص آنان در علم حدیث و علوم منقول .

باب - در بیان طبقات فقهها و تخصیص آنان در انواع علوم .

باب - در بیان صوفیه و طبقات آنان و رسوم آنها در علم و عمل و حسن شمایل و فضایل آنان .

باب - در بیان اختصاص صوفیه بعلم مخصوص در میان طبقات اهل علم .

باب - در بیان رد کسانی که صوفیه را جاهل می پندارند و گمان می برند که در علم تصوف اثری از کتاب و سنت نیست .

باب - در بیان اعتراض صوفیه بر فقههای ظاهری و بیان مقام فقیه در دین .

باب - در بیان جواز تخصیص در علوم دینی و تخصیص هر علم با اهل آن .

باب - در بیان وجه تسمیه صوفیه و اینکه چرا باین نام نسبت داده شده اند .

باب - در بیان رد کسی که میگوید صوفی کلمه ای جدید است و در قدیم نبوده است .

باب - در بیان اثبات علم باطن و استدلال بر صحت آن .

باب - در بیان اینکه تصوف چیست ؟ و ماهیت آن کدام است .

باب - در بیان صفت صوفیه و اینکه صوفی کیست ؟

باب - در بیان توحید و صفت موحد و حقیقت توحید و کلام صوفیه در توحید .

باب - در بیان آنچه را که درباره معرفت و صفات عارف و حقیقت عرفان گفته اند .

باب - در بیان صفت عارف و آنچه که در این باره گفته اند .

باب - در بیان سخن کسی که گفته است : چگونه خدارا میشناسی و فرق میان مومن

و عارف چیست ؟

۳ - رساله قشیریه صفحه ۷ چاپ مصر .

۴ - تذکره الاولیا صفحه ۸۸-۹۱ چاپ تهران - سال ۱۳۴۶ .

## کتاب احوال و مقامات

- باب - در مقامات و حقایق آن
- باب - در معنی احوال .
- باب - مقام توبه .
- باب - مقام ورع .
- باب - مقام زهد .
- باب - مقام فقر و صفت فقرا .
- باب - مقام صبر .
- باب - مقام توکل .
- باب - مقام رضا و صفت اهل آن .
- باب - در مراقبت احوال و حقایق آن .
- باب - حال قرب
- باب - حال محبت .
- باب - حال خوف .
- باب - در رجاء .
- فصل - در معنی خوف و رجاء .
- باب - حال شوق .
- باب - حال انس .
- باب - حال اطمینان .
- باب - حال مشاهده .
- باب - حال یتیم .

## کتاب اهل صفوت در فهم و اتباع کتاب خدا

- باب - موافقت کتاب خدا .
- باب - تخصیص دعوت .
- باب - در بیان مستمعان و مخاطبان خداوند و درجات آنان در قبول خطاب .
- باب - در شرح استنباط سمع و حضور با تدبیر هنگام تلاوت قرآن و فهم خطاب .
- باب - در صف صاحب‌دلان در فهم قرآن .
- باب - در بیان اوصاف «سابقین» و «مقربین» و «ابرار» در طریق فهم و استنباط قرآن
- باب - در بیان تشدید در قرآن و وجوه آن .
- باب - در بیان آنچه که در فهم حروف و اسما گفته شده است .
- باب - در بیان وصف کسی که در استنباط و اشاره و فهم در قرآن مصیب است و وصف کسی که در آن خطا می‌کند .

## کتاب اقتدا و تأسی به رسول خدا

- باب - وصف اهل صفا در فهم و موافقت و مطابقت پیغمبر .
- باب - در بیان روایت رسول خدا در احوال و افعال کسانی که خداوند آنان را برگزیده است .
- باب - درباره آنچه که از رسول خدا نسبت به رخصت امت اسلام در باب مباحثات برای آنان و اقتدا به پیغمبر روایت گردیده است .
- باب - در بیان آنچه که از مشایخ در اتباع رسول خدا و تخصیص آنان در آن ذکر شده است .

### کتاب : مستنبطات

- باب - مذهب اهل صفا در مستنبطات صحیح در فهم قرآن و حدیث و غیره و شرح آنها .
- باب - در نچگونگی اختلاف استنباطات اهل حق در معانی علوم و احوال آنان .
- باب - مستنبطات اهل صفا در تخصیص پیغمبر و فضل و شرف او بر دیگر پیغمبران از کتاب خدا .
- باب - مستنبطات اهل صفا در خصوصیت پیغمبر و فضل او بر دیگر انبیا از اخبار و روایات .
- باب - مستنبطات اهل صفا در معانی اخبار و روایت شده از پیغمبر از طریق استنباط و فهم .

### کتاب : صحابه

- باب - در ذکر صحابه پیغمبر .
- باب - ذکر ابوبکر و خصائص او در میان صحابه پیغمبر .
- باب - ذکر عمر بن الخطاب .
- باب - ذکر عثمان
- باب - ذکر علی بن ابیطالب .
- باب - اوصاف اهل « صغه » .
- باب - ذکر دیگر صحابه در این مورد .

### کتاب - آداب متصوفه

- باب - در بیان آداب .
- باب - آداب آنان در وضو و طهارت .
- باب - آداب آنان در نماز .
- فصل دیگر - در آداب نماز .
- باب - آداب آنان در زکوة و صدقات .
- باب - ذکر روزه و آداب آنان در آن .
- باب - ذکر آداب آنان در حج .
- باب - ذکر آداب فقراء با یکدیگر در حضر و سفر .
- باب - آداب آنان در صحت .
- باب - آداب آنان در کسب علم .
- باب - آداب آنان در وقت طعام و اجتماعات و مهمانی ها .
- باب - آداب آنان در لباس .
- باب - آداب آنان در مسافرت .
- باب - آداب آنان در بذل مال و جاه هنگام نیاز . رفقا و اصحاب .
- باب - آداب آنان هنگام توانگری .
- باب - آداب آنان در اشتغال بکسب و تصرف در اسباب .
- باب - آداب گرفتن عطیه و مراقت با فقرا .
- باب - آداب متاهلین و کسی که دارای فرزند است .
- باب - آداب آنان در جلوس و مجالست .
- باب - آداب آنان در گرسنگی .
- باب - آداب بیماران در هنگام بیماری .
- باب - آداب مشایخ و توجه آنان بدوستان و اصحاب .

- باب - آداب مریدان و مبتدآن .
- باب - آداب خلوت گزیدگان .
- باب - آداب صداقت و مودت .
- باب - آداب آنان هنگام مرگ .

### کتاب سئوالات و جوابات آنان

- کتاب - مکاتبات آنان با یکدیگر .
- باب - در صدور کتابها و رسائل .
- باب - اشعار آنان در معانی احوال و اشارات آنان .
- باب - دعوات مشایخ متقدم اهل صفا .
- باب - وصایای بعضی از آنان در باره بعضی دیگر .

### کتاب سماع

- باب - در حسن صوت و سماع و تفاوت شنوندگان .
- باب - در سماع و اختلاف سخنان آن در معنی سماع .
- باب - در وصف سماع عامه .
- باب - در وصف سماع خاصه .
- باب - در ذکر طبقات شنوندگان .
- باب - در ذکر کسی که سماع قصاید و ابیات شعری را برگزیده است .
- باب - در وصف سماع مریدان و مبتدآن .
- باب - در وصف سماع مشایخ عارف متوسط .
- باب - در وصف اشخاص خاص و اهل کمال در سماع .
- باب - در سماع ذکر ، موعظه ، حکمت و غیره .
- باب دیگر - در سماع .
- باب - در میان کسی که سماع را مکروه میدارد و کسی که در موقع تلاوت قرآن آن را مکروه می‌شمارد .

### کتاب وجد

- باب - در اختلاف آنان نسبت بماهیت وجد .
- باب - در اوصاف دارندگان وجد .
- باب - در بیان وجدهای مشایخ صادق .
- باب - در بیان نیرو و قدرت وجد و هیجان و غلیان آن .
- باب - در بیان اینکه واجد ساکن یا واجد متحرک کدام يك کامل‌ترند .
- باب - در بیان : جامع مختصر از کتاب وجدی که ابوسعید بن اعرابی آن را تألیف کرده است .

### کتاب اثبات آیات و کرامات

- باب - در معانی آیات و کرامات و بیان کسی که از کرامت چیزی داشته است .
- باب - استدلال برای اثبات کرامات برای کسی که آن را انکار میدارد نسبت باولیا و فرق آنان با انبیاء .
- باب - در ادله اثبات کرامات برای اولیاء .
- باب - در ذکر مقامات خاصان در کرامات و پنهان داشتن آنها از بیم فتنه و فساد .
- باب - در ذکر کسانی که دارای کرامت بودند و برای اصحاب خاص و صدیق خود

آشکار کردند .

باب - در ذکر خصائص و احوال آنان که کرامت شمرده نمی‌شود و دارای معانی لطیف‌تری میباشد .

### کتاب بیان مشکلات

باب - در شرح الفاظ مشکل که در سخنان صوفیه وجود دارد .  
باب - در بیان آن الفاظ .

### کتاب تفسیر شطحیات

باب - در معنی شطح و رد کسی که منکر آن میباشد .  
باب - در تفسیر علوم و بیان مشکلات آن .  
باب - در کلمات شطحی که از بویزید نقل شده و جنید برخی از آن را تفسیر کرده است .  
باب - ذکر حکایتی که از بایزید بسطامی نقل شده است .  
باب - ایضاً در شرح کلامی که از بایزید نقل شده است .  
باب دیگر - در شرح الفاظی که از بایزید حکایت شده است .  
باب - در بیان کلامی که از شبلی حکایت گردیده است .  
باب - در معنی حکایتی که از شبلی نقل شده است .  
باب دیگر - در معنی احوال کسانی که منکر شبلی بوده‌اند .  
باب دیگر - در شرح سخنی که از شبلی نقل شده و فهم آن برای علما و فقهاء مشکل بوده است .

باب - ذکر ابو حسین نوری .

باب - در بیان خطاء کسی که از روش و طریقه تصوف منحرف میگردد و چگونگی وقوع این خطا .

باب - در ذکر کسانی که بخطا رفته‌اند و طبقات آنان .

باب - در ذکر کسانی که در فروع بخطا رفته‌اند .

باب - در ذکر توسع و ترك توسع از دنیا .

باب - در ذکر کسانی که در ارادت سستی ورزیدند و در مجاهدت راه خطا پیمودند و

ب راحت رو کردند .

باب - در ذکر طبقاتیکه در ترك طعام و عزلت و انفراد راه خطا رفتند .

باب - در ذکر کسانی که در اصول راه خطا پیمودند و بگمراهی افتادند .

باب - در ذکر کسانی از اهل عراق که در اخلاص خطا کردند .

باب - در ذکر کسانی که در نبوت و ولایت بغلط رفتند .

باب - در ذکر فرقه‌ای که در مباحثات و ممنوعات راه خطا پیش گرفتند .

باب - در ذکر کسی که در فناء آدمی بغلط افتاده است .

باب - در ذکر کسی که در دیدن خداوند با چشم دل بخطا رفته است .

باب - در ذکر کسی که در صفا و طهارت بخطا رفته است .

باب - در ذکر کسی که در انوار بخطا رفته است .

باب - در ذکر کسی که در جمع و تفرقه بخطا رفته است .

باب - در ذکر کسی که در انس و بسط و ترك خشیت بخطا رفته است .

باب - در ذکر کسی که در فناء صوفیه و اوصاف آنان خطا کرده است .

باب - در ذکر کسی که در فتنان محسوسات خطا کرده است .

باب ۱ - در ذکر کسی که در روح بخطا رفته است .

۳ - کتاب «التعرف لمذهب اهل التصوف» تألیف : ابوبکر محمدبن اسحق بخاری کلابادی ، متوفی ۳۸۰ هجری معروف به «تاج الاسلام» که یکی از بزرگان عرفاء اسلامی است ، این کتاب بطوریکه خود مؤلف در مقدمه آن نوشته است ، در بیان وصف طریقه صوفیه وسیرت آنها و بیان عقاید آنان در توحید وصفات خداوند و دیگر مسائل و مباحثی که مربوط بطریقه صوفیه است تألیف گردیده و درباره اخلاق و آداب و اشارات و کنایات مخصوص آنان بحث شده است .

در اهمیت این کتاب همین بس که مشایخ صوفیه درباره آن گفته‌اند : لولا التعرف لماعرف التصوف<sup>۱</sup> مطالب کتاب در يك مقدمه و ۷۵ باب بشرح زیر تدوین گردیده است<sup>۲</sup> :

#### مقدمه

باب اول - در بیان وجه تسمیه صوفیه و اینکه چرا باین نام موسوم شده‌اند .

باب دوم - در رجال صوفیه .

باب سوم - در ناشران علم تصوف و نویسندگان آنان .

باب چهارم - در مؤلفان روش و اعمال صوفیه .

باب پنجم - بیان سخنان آنان در توحید .

باب ششم - بیان سخنان آنان در صفات خداوند .

باب هفتم - اختلاف آنان در ازلیت خالق .

باب هشتم - اختلاف آنان در اسماء .

باب نهم - سخن ایشان درباره قرآن .

باب دهم - اختلاف آنان در اینکه کلام خدا چیست ؟

باب یازدهم - سخن ایشان در رؤیت خداوند .

باب دوازدهم - اختلاف آنان در رؤیت پیغمبر .

باب سیزدهم - سخن آنان در باب قدر و خلق افعال .

باب چهاردهم - سخن آنان در استطاعت .

باب پانزدهم - سخن آنان در جبر .

باب شانزدهم - سخن آنان در اصلح .

باب هفدهم - سخن ایشان در وعد و وعید .

باب هیجدهم - سخن آنان در شفاعت .

باب نوزدهم - سخن آنان در اطفال .

باب بیستم - در تکلیف اشخاص بالغ .

باب بیست و یکم - سخن آنان در معرفت خداوند .

باب بیست و دوم - اختلاف آنان در نفس معرفت .

باب بیست و سوم - سخن آنان در روح .

باب بیست و چهارم - سخن آنان در ملائکه و انبیاء .

باب بیست و پنجم - سخن آنان در لغزش‌هایی که بانبیاء نسبت داده شده است .

باب بیست و ششم - سخن آنان در کرامت اولیاء .

باب بیست و هفتم - سخن آنان در ایمان .

باب بیست و هشتم - سخن آنان در حقایق ایمان .

باب بیست و نهم - سخن آنان در مذاهب شرعی .

باب سی ام - سخن آنان در کسب‌ها .

باب سی و یکم - در علوم صوفیه - علوم احوال .

باب سی و دوم - تصوف چیست ؟



- باب سی و سوم - کشف خواطر .
- باب سی و چهارم - تصرف و استرسال . (استرسال مع الحق) .
- باب سی و پنجم - سخن آنان در توبه .
- باب سی و ششم - سخن آنان در زهد .
- باب سی و هفتم - سخن آنان در صبر .
- باب سی و هشتم - سخن آنان در فقر .
- باب سی و نهم - سخن آنان در تواضع .
- باب چهل - سخن آنان در خوف .
- باب چهل و یکم - سخن آنان در تقوی .
- باب چهل و دوم - سخن آنان در اخلاص .
- باب چهل و سوم - سخن آنان در شکر .
- باب چهل و چهارم - سخن آنان در توکل .
- باب چهل و پنجم - سخن آنان در رضا .
- باب چهل و ششم - سخن آنان در یقین .
- باب چهل و هفتم - سخن آنان در ذکر .
- باب چهل و هشتم - سخن آنان در انس .
- باب چهل و نهم - سخن آنان در قرب .
- باب پنجاهم - سخن آنان در اتصال .
- باب پنجاه و یکم - سخن آنان در محبت .
- باب پنجاه و دوم - سخن آنان در تجرید و تفرید .
- باب پنجاه و سوم - سخن آنان در وجد .
- باب پنجاه و چهارم - سخن آنان در غلبه .
- باب پنجاه و پنجم - سخن آنان در سکر .
- باب پنجاه و ششم - سخن آنان در غیبت و شهود .
- باب پنجاه و هفتم - سخن آنان در جمع و تفرقه .
- باب پنجاه و هشتم - سخن آنان در تجلی و استتار .
- باب پنجاه و نهم - سخن آنان در فنا و بقا .
- باب شصتم - سخن آنان در حقایق و معرفت .
- باب شصت و یکم - سخن آنان در توحید .
- باب شصت و دوم - سخن آنان در صفت عارف .
- باب شصت و سوم - سخن آنان در مرید و مراد .
- باب شصت و چهارم - سخن آنان در مجاهدات و اعمال .
- باب شصت و پنجم - حال آنان در سخن با مردم .
- باب شصت و ششم - پرهیزکاری و ریاضت آنان .
- باب شصت و هفتم - الطاف خداوند و تنبیه وی با آنان بوسیله هائف .
- باب شصت و هشتم - تنبیه آنان بوسیله تفرسات .
- باب شصت و نهم - تنبیه آنان بوسیله خواطر .
- باب هفتادم - تنبیه آنان در رؤیا و لطائف آن .
- باب هفتاد و یکم - از لطائف آنان در زهد و ورع .

۵ - بر اساس نسخه تصحیح شده «رنولد الن نیکلسون» چاپ لندن سال ۱۹۱۴ میلادی .

۶ - کشف الظنون .

۷ - بر اساس کتاب : «التعرف لمذهب اهل التصوف» - چاپ قاهره سال ۱۹۶۰ م ۱۳۸۰ هـ .

باب هفتاد و دوم - از لطائف آنان در تحمل و بردباری .  
باب هفتاد و سوم - از لطائف آنان در مرگ و پس از مرگ .  
باب هفتاد و چهارم - از لطائف سرگذشت آنان .  
باب هفتاد و پنجم - در سماع .

۳ - رساله قشیریه ، تألیف : زین الاسلام ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک بن طلحه بن محمد قشیری است که از بزرگان علما و نویسندگان و شعرا و متصوفه قرن پنجم هجری می باشد ، قشیری در ربیع الاول سال ۳۷۶ هجری قمری در ناحیه «استوا» (قوچان کنونی) متولد گردیده و با اتفاق همه مورخان صبح روز یکشنبه شانزدهم ربیع الاول سال ۴۶۵ هجری قمری وفات یافت و بیش از ۸۹ سال عمر کرده است . قشیری نسبت است به «قشیر بن کعب» که خاندانش را «بنی قشیر» نیز میخوانده اند و زین الاسلام نیز از این خاندان بود . در معرفی این کتاب بهتر می بینیم متن آنچه را که استاد فروزانفر در مقدمه ترجمه رساله قشیریه درین باره ذکر کرده بشرح زیر نقل نمایم : «رساله قشیریه نامه یا پیامی است که قشیری آنرا بصوفیان شهرهای اسلام فرستاده و شروع آن در سال ۴۳۷ و پایان آن در اوایل سال ۴۳۸ و علت نوشتن آن ظهور فساد در طریقت و انحراف صوفی نمایان از آداب و سنن مشایخ پیشین و ظهور مدعیان دور از حقیقت و دروغین بوده و مصنف در مقدمه این مطلب را از روی سوز و گداز شرح داده است .

این کتاب روی هم رفته مشتمل بر دو فصل و پنجاه و چهار باب است ، فصل اول در بیان عقاید صوفیان است در مسائل اصولی که از میان آنها بمساله توحید و صفات بیشتر توجه شده و نظر قشیری ، آن بوده است که موافقت نظر مشایخ صوفیه را با عقاید اشعری باثبات برساند و فصل دوم نتیجه و خلاصه مانندی است از فصل اول ، این دو فصل در ترجمه فارسی بعنوان یک باب (باب اول) درآمده است .

پس از این دو فصل بابی است مخصوص بشرح احوال و نقل اقوال مشایخ صوفیه از ابراهیم بن ادهم (متوفی ۱۶۲) تا ابوعبدالله احمد بن عطاء رودباری (متوفی ۳۶۹) و مجموعاً شرح حال ۸۲ تن را با مختصری از زندگی و تاریخ وفاتشان ذکر میکند و سپس چند حکایت و سخنی از آنها می آورد ، غالب مطالب این باب را از طبقات الصوفیه استادش ابوعبدالرحمن سلمی استفاده کرده و تا آنجا که توانسته باختصار کوشیده است .

در آخر این باب چندتن از معاصرین خود را نام می برد که از ذکر احوال آنان تن زده است و ظاهراً سبب آن بوده که نمی خواسته بتمایل و یا کم ارادتی بیکی از آنها نسبت داده شود ، چندانکه با همه عشقی که به ابوعلی دقاق پیر خود دارد ، ترجمه حال وی را نیز ذکر نمی کند این باب از لحاظ دقتی که در ترجمه احوال مشایخ بکار می برد هر چند فشرده و مختصر است ، اهمیت بسیار دارد و یکی از ماخذ تاریخ تصوف و متصوفه تواند بود .

باب دوم در شرح مصطلحات و تعبیرات صوفیانه است ، در این باب عده ای از اصطلاحات صوفیه را شرح و تفسیر میکند و سخنان و حکایات پیران را در آن مورد و بمناسبت مقام و برای تکمیل تعریف و توضیح آن می آورد ، تفسیر او در اکثر موارد دقیق و روشن است و اگر گاهی پیچیده و تاریک بنظر می رسد مانند تعریف جمع و تفرقه و فنا و بقاء برای آنست که این معنی خود دور از مرحله ادراک و از درجات آخرین وصول است و قطع نظر از ابو حامد محمد غزالی که مصطلحات این طایفه را بطرز منطقی و نظر تحلیلی تفسیر کرده و جای ابهامی باقی نگذاشته است ، دیگران هم روشن تر از قشیری این کلمات را تعریف نکرده اند .

در این باب قشیری پنجاه اصطلاح را تفسیر کرده و بعضی دیگر را در ضمن ابواب و فصول دیگر توضیح داده است و ما آنها را در فهرست نواذر لغات و تعبیرات این کتاب آورده ایم . ابواب دیگر این کتاب مشتمل است بر ذکر احوال و مقامات و آداب و معاملات و اخلاق و سنن صوفیه که قشیری برخلاف ابونصر سراج در «اللمع» در ذکر آنها ترتیب را

رعایت نکرده و فی‌المثل احوال را از مقامات و معاملات جدا نساخته است بدون استثناء هر بابی آغاز میشود بذکر یک یا دو آیه از قرآن کریم بمناسبت آن باب و یک یا چند حدیث نبوی و از آن پس بنقل احوال و حکایات از صحابه سلف و پیران قوم میپردازد و گاه نیز اشعار دل‌انگیز از صوفیه و دیگران می‌آورد و اعتماد بیشتر بر نقل و روایت است در بعضی از موارد نیز که حدیثی یا سخنی بنظر او محتاج تأویل است عقیده خود را بیان می‌کند و باقتضای مقام توضیحی می‌افزاید، کلیه این روایات با سلسله سند که در آن عهد یکی از طرق اثبات و صحت مطلب است مذکور می‌شود، در حکایات مشایخ نیز این روش حتی‌الامکان رعایت شده است.

عدد کسانی که قشیری از آنها روایت یا حکایاتی آورده به ۵۸۷ تن بالغ می‌گردد ولی پس از حضرت رسول اکرم روایات جنید در درجه نخستین و سخنان ابوعلی دقاق حائز مرتبه دومین است درمیانه این ابواب، باب چهل‌وهشتم و چهل‌ونهم و پنجاهم که در معرفت و محبت و شوق است لطف و ظرافتی خاص دارد و باب پنجاه‌ویکم و پنجاه‌وپنجم از آن جهت که وظائف مرید و مراد را تعیین می‌کند بی‌اندازه مهم است و از آنجا میتوان دانست که خانقاه چگونه مردم را تربیت می‌کرده و چه اموری برعهده مرید و چه نکاتی درعهده رعایت مراد بوده است.

باب پنجاه‌وسوم و پنجاه‌وجهارم در اثبات کرامات اولیا و خوابهای صوفیان و نیز باب چهل‌وهفتم که در ذکر احوال صوفیان است بوقت مردن متضمن حکایات شگفت‌انگیز و غیر منطقی و ناموجه است ولی قشیری را میتوان معذور داشت زیرا اولاً او اشعری مذهب بوده و بمذهب وی ترتب معلول بر علت غیر ضروری و تخلف معلول از علت رواست و عالم و نظام حوادث و علل و اسباب مقهور تصرف حق و اولیای اوست و هرچه معتزلیان و فیلسوفان محال و ناممکن می‌شمارند پنداری است بر ساخته و بافته او هام و بنا بر این آنچه در این ابواب ذکر شده از نوع کرامات است و هیچ اشکالی بر آن متوجه نیست ثانیاً او در عصری جز عصر ما می‌زیست در روزگار او هر مطلبی که عدول و تفاوت روایت میکردند باور کردنی بود . . . . . بی‌گمان رساله قشیریه یکی از مآخذ و اسناد مهم و معتبر تصوف است و کسانی که بخواهند از اصول طریقت یا تاریخ تصوف اطلاع درست و مستند داشته باشند از مطالعه و مراجعه بدین کتاب هرگز بی‌نیاز نخواهند بود.

از همان آغاز تألیف و اشتهار رساله شاگردان و معتقدان قشیری این کتاب را نزد وی خوانده و سماع کرده‌اند مانند ابوالمحاسن عبدالواحد بن اسمعیل بن محمد بن احمد رویانی از بزرگان شافعیه متوفی شهر رمضان المبارک ۵۰۱ که سند زکریای انصاری شارح رساله بدو منتهی می‌گردد و عبدالفاخر بن اسمعیل که این کتاب را در غزنه روایت کرده و پیش از مسافرت وی بغزنه - سعید بن اسمعیل بن علی بن عباس از شاگردان وی بشهر غزنه رفته و ادعا کرده بود که وی از احفاد قشیری است و علماء آن شهر رساله قشیریه و لطائف‌الاشارات را بروی خوانده بودند و چون قشیری در سال ۴۸۸ بغداد رفت بعضی از علماء این کتاب را بر وی خواندند و نسخه رساله قشیریه محفوظ در موزه بغداد که از نسخه‌های خوانده شده بر قشیری است تاریخ این سماع را جمادی‌الاولی سال ۴۴۸ تعیین میکنند . . . . .

ابوالحسن علی بن عثمان بن جلابی هجویری از هم‌عصران قشیری که طرز تعبیر او از قشیری در کشف‌المحجوب قرینه و گواهی تواند بود که آن را در زمان حیات قشیری تألیف کرده، رساله قشیریه را در دست داشته و اکثر مطالب آن را در این کتاب گنج‌انیده

۸ - مقدمه ترجمه رساله قشیریه بقلم استاد بدیع‌الزمان فروزانفر صفحه ۱۴ چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب .

۹ - مقدمه ترجمه رساله قشیریه بقلم استاد فروزانفر صفحه ۱۴ .

است ، شیخ عطار نیز از مستفیضان است و در تذکره اولیا بسیاری از روایات رساله را میتوان دید . . . .»<sup>۱۰</sup> .

**فهرست مطالب رساله قشیریه بشرح زیر است :**

- باب - بیان اعتقاد .
- باب - ذکر مشایخ .
- باب - تفسیر الفاظ متداول میان طائفه صوفیه .
- باب - توبه .
- باب - مجاهدت .
- باب - خلوت و عزلت .
- باب - تقوی .
- باب - ورع .
- باب - زهد .
- باب - خاموش .
- باب - خوف .
- باب - رجاء .
- باب - حزن .
- باب - گرسنگی و ترك شهوت .
- باب - خشوع و تواضع .
- باب - مخالفت نفس .
- باب - حسد .
- باب - غیبت .
- باب - قناعت .
- باب - توکل .
- باب - شکر .
- باب - یقین .
- باب - صبر .
- باب - مراقبت .
- باب - رضا .
- باب - عبودیت .
- باب - اراده .
- باب - استقامت .
- باب - اخلاص .
- باب - صدق .
- باب - حیا .
- باب - حریت .
- باب - ذکر .
- باب - فتنوت .
- باب - فراست .
- باب - خلق .
- باب - جود و سخا .
- باب - غیرت .



- باب - ولایت
- باب - دعاء .
- باب - فقر .
- باب - تصوف .
- باب - ادب .
- باب - احکام سفر
- باب - صحبت .
- باب - توحید .
- باب - احوال ایشان هنگام مرگ .
- باب - معرفت .
- باب - محبت .
- باب - شوق .
- باب - نگهداری دلهای مشایخ و ترك خلاف ایشان .
- باب - سماع .
- باب - اثبات کرامات اولیاء .
- باب - رویای قوم در خواب .
- باب - وصیت بمردان<sup>۱۱</sup> .

۴- کشف‌المحجوب - تألیف ، ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی جلابی هجویری غزنوی ، متوفی . حدود ۴۷۰ هجری قمری است که از بزرگان و پیشوایان و مشایخ صوفیه قرن پنجم میباشد ، کتاب کشف‌المحجوب قدیمترین کتاب فارسی در تصوف است که بیش از نهصدسال پیش به نثر پخته و شیوای فارسی برشته نگارش درآمده و در زبان فارسی از این لحاظ بیمانند است ، این کتاب یکی از منابع و ماخذ کتب صوفیه بعد از هجویری است جامی از این کتاب در صفحات الانس چنین یاد میکند «از کتب معتبره مشهوره در این فن است و لطائف و حقایق بسیار در آن کتاب جمع کرده است» و جامی خود از این کتاب استفاده شایان در تالیفاتش کرده و همچنین عطار در تذکره‌الاولیاء مکرر عبارات کشف‌المحجوب را نقل کرده اما مأخذ را ذکر نکرده است ، استاد ملک‌الشعراء بهار در این باره نوشته‌اند که : «عطار ظاهراً از کتاب کشف‌المحجوب استفاده کرده است و غالباً عبارات آن کتاب را بدون ذکر خود کتاب یا مؤلف با اندک تصرفی که تبدیل کهنه بنو باشد نقل نموده است»<sup>۱۲</sup> .

کتاب کشف‌المحجوب از نظر اهمیت خاصی که از لحاظ علمی و تاریخی مخصوصاً تاریخ تصوف داشته مورد توجه خاورشناسان قرار گرفته و در سال ۱۹۱۴ میلادی بوسیله یکی از خاورشناسان مشهور «رنولد الین ، نیکلسون» انگلیسی بزبان انگلیسی تحت عنوان «قدیمی‌ترین اثر فارسی در باره تصوف» ترجمه گردیده است .

والتین ژوکوفسکی خاورشناس فقید روسی مصحح کتاب کشف‌المحجوب درباره این کتاب چنین میگوید «کتاب کشف‌المحجوب آخرین شاهکار جلابی میباشد که بوسیله آن از آثار دیگر ادبی و علمی ، منظوم و منثور مصنف اطلاع یافته و فهرست آن را مذکور داشتیم .»

کتاب کشف‌المحجوب ، چنانکه از مقدمه مصنف برمی‌آید بنا بر استدعای ابوسعید

۱۰ - نقل از مقدمه ترجمه : رساله قشیریه بقلم استاد فروزان فر صفحه ۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲ چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب .

۱۱ - رساله قشیریه - چاپ مصر .

۱۲ - سبک‌شناسی جلد دوم صفحه ۳۰۶ .

الهیجویری نگاشته شده و بر اساس سئوالات مشارالیه تصنیف شده است مصنف دروجه تسمیه کتاب چنین میگوید : (و آنچه گفتم که این کتاب را کشف المحجوب نام کردم ، مراد آن بود که تا نام کتاب ناطق باشد بر آنچه اندر کتاب است ، هر گروهی را که بصیرت بود ، چون نام کتاب بشنوند دانند که مراد از آن چه بوده است و بدانکه همه عالم از لطیفه تحقیق خدای محجوب اند بجز اولیای خدای تعالی و جل عزیزان درگاهش و چون این کتاب اندر بیان راه حق بود و شرح کیفیت مقامات ایشان ....» بطوریکه از مقدمه کتاب بدست می آید سئوالات مذکور مشتمل بر باشد همچنانکه حجاب هلاک مکاشف ، یعنی چنانکه نزدیک طاقت دوری ندارد و دور طاقت نزدیکی ندارد.»<sup>۱۳</sup> .

کتاب کشف المحجوب بطوریکه گفته شد جواب سئوالاتی است که ابوسعید هجویری از مصنف این کتاب کرده است که مصنف خود درباره این سئوالات چنین میگوید : « صورت السئوال ، قال السائل وهو ابوسعید الهجویری ، بیان کن مرا اندر تحقیق طریقت تصوف و کیفیت مقامات ایشان ....» بطوریکه از مقدمه کتاب بدست می آید سئوالات مذکور مشتمل بر ۱۱ فقره است بشرح زیر :

۱ - تحقیق طریقت تصوف .

۲ - کیفیت مقامات صوفیه .

۳ - مذاهب ایشان (صوفیه) .

۴ - مقالات ایشان .

۵ - رموز و اشارات ایشان .

۶ - چگونگی محبت خداوند .

۷ - چگونگی اظهار محبت خداوند بر دلها .

۸ - سبب حجاب عقول از کنه و ماهیت آن .

۹ - نفرت نفس از حقیقت آن .

۱۰ - آرامش روح از حقیقت آن .

۱۱ - و آنچه بدین تعلق دارد از معاملات آن<sup>۱۴</sup> .

سپس جلابی زیر عنوان : قال المسئول و هو علی بن عثمان الجلابی بیاسخ آغاز میکند و پیش از ورود باصل پاسخ سخنانی دلنشین دارد که چگونگی وضع تصوف را در آن عصر نشان میدهد . وی چنین میگوید : « بدانکه اندر این زمانه ما ، این علم بحقیقت مندرس گشته است ، خاصه اندرین دیار که خلق جمله مشغول هوا گشته اند و معرض از طریق رضا و علماء روزگار و مدعیان وقت را از این طریق صورت برخلاف آن بسته است ، پس بیارید همت بجیزی که دست اهل زمانه با سرها از آن کوتاه بود بجز خواص حضرت حق و مراد همه اهل ارادت از آن منقطع و معرفت همه اهل معرفت از وجود آن معزول بجز خواص حضرت حق ، خاص و عام خلق از آن بعبارت بسنده کرده اند .

و مر حجاب آن را بجان و دل خریدار گشته و کار از تحقیق بتقلید افتاده و تحقیق روی خود را از روزگار ایشان پوشیده و عوام بدان پسندیده گویند که ما حق را همی شناسیم و خواص بدل خورسند شده که اندر دل تمنا یابند و اندر نفس ها حبی و اندر صدر میل بدان سرای از سر مشغولی گویند این شوق رویت است و حرقت محبت و مدعیان بدعوی خود از کل معانی بازمانده و مریدان از مجاهده دست باز داشته و ظن معلول خود را مشاهده نام کرده و من پیش از این کتب ساختم اندرین معنی جمله ضایع شد .....<sup>۱۵</sup>»

جلابی سپس وارد اصل موضوع میگردد و بطرح سئوالات ابوسعید می پردازد و بطور تفصیل و مشروح با دلائل و براهین علنی و عرفانی و با استناد بآیات قرآن و احادیث در باب مباحث زیر سخن میگوید :

۱ - باب - اثبات علم .

- ۲ - باب - فقر .
- ۳ - باب - تصوف .
- ۴ - باب - مرقعه داشتن (پوشیدن مرقعات) .
- ۵ - باب - اختلاف ایشان (صوفیه) در فقر و صفوت .
- ۶ - باب - بیان ملامت .
- ۷ - باب - ذکر ائمه آنان ، ازصحابه و تابعین .
- ۸ - باب - ذکر ائمه آنان از : اهل بیت .
- ۹ - باب - ذکر اهل صفة .
- ۱۰ - باب - ذکر ائمه آنان از اتباع تابعین تا امروز .
- ۱۱ - باب - ذکر ائمه آنان از متأخرین .
- ۱۲ - باب - ذکر رجال صوفیه ، از متأخرین ، بطور اختصار .
- ۱۳ - باب - در فرق میان فرقه‌های آنان و مذاهب و آیات و مقامات و حکایات ایشان .
- ۱۴ - باب - فرقه‌ها ، عقاید ، اقوال و نظریات صوفیه .
- ۱۵ - باب - کلام در حقیقت نفس و معنی هوی .
- ۱۶ - باب - در اثبات ولایت .
- ۱۷ - باب - در اثبات کرامات .
- ۱۸ - باب - در فرق میان معجزه و کرامت .
- ۱۹ - باب - در ذکر کرامات آنان (صوفیه) .
- ۲۰ - باب - در تفصیل انبیاء بر اولیاء .
- ۲۱ - باب - در تفصیل انبیا و اولیاء بر ملائکه و مؤمنان .
- ۲۲ - باب - در فنا و بقا .
- ۲۳ - باب - در غیبت و حضور .
- ۲۴ - باب - در جمع و تفرقه .
- ۲۵ - باب - کشف حجاب اول - در معرفت خداوند .
- ۲۶ - باب - کشف حجاب دوم - در توحید .
- ۲۷ - باب - کشف حجاب سوم در ایمان .
- ۲۸ - باب - کشف حجاب چهارم در طهارت .
- ۲۹ - باب - کشف حجاب پنجم در نماز .
- ۳۰ - باب - کشف حجاب ششم در زکوة .
- ۳۱ - باب - کشف حجاب هفتم در روزه .
- ۳۲ - باب - کشف حجاب هشتم در حج .
- ۳۳ - باب - کشف حجاب نهم در صحبت و آداب آن .
- ۳۴ - باب - کشف حجاب دهم در منطق آنان و حدود الفاظ و حتایق معانی آن .
- ۳۵ - باب - کشف حجاب یازدهم در سماع و انواع آن .
- جلابی در بین «ابواب» و «کلام‌ها» و «کشف حجب» مسائل مختلف دیگر عرفانی را نیز بمناسبتی ذکر کرده و در اطراف آنها شرح و بسط کامل داده است .
- ۵ - احیاء العلوم و کیمیای سعادت تالیف : امام محمد غزالی متوفی ۵۰۵ هجری که

۱۳ - کشف‌المحجوب صفحه ۴ تصحیح ژوکوفسکی .

۱۴ - کشف‌المحجوب صفحه ۷ تصحیح : ژوکوفسکی .

۱۵ - کشف‌المحجوب صفحات ۷ و ۸ .

از کتاب‌های نفیسی و کم‌مانند در تصوف و اخلاق محسوب می‌شوند کتاب احیاء علوم الدین که باحیاء‌العلوم معروف است بزبان عربی تألیف شده و امام غزالی آن را درمدت گوشه‌گیری و انزوا نوشته است شروع بتألیف کتاب در بیت‌المقدس و انجام آن در دمشق بوده و تاریخ تألیف آن حدود ۴۹۰ هجری می‌باشد .

کیمیای سعادت با احتمال نزدیک بیقین خلاصه و ترجمه‌ای است از کتاب احیاء‌العلوم که خود غزالی آن را انجام داده و بزرگترین و مهمترین مؤلفات فارسی غزالی است در اخلاق و تصوف که نظیر آن کتابی بفارسی نوشته نشده است تاریخ تألیف آن را میان ۴۹۰ - ۵۰۰ هجری نوشته‌اند که پس از تألیف احیاء‌العلوم بوده است .

بطوریکه گفته شد کتاب کیمیای سعادت خلاصه و ترجمه‌ای از کتاب احیاء‌العلوم است و چون در تقسیم‌بندی «رکن»ها و «اصل»ها و «فصل»های این کتاب همان ترتیب کتاب احیاء‌العلوم رعایت گردیده است بنابراین برای معرفی هر دو کتاب (احیاء‌العلوم - کیمیای سعادت) قسمتی از مقدمه کتاب کیمیای سعادت را که غزالی نوشته است عیناً نقل مینمایم :

« ..... اما عنوان وی معرفت چهار چیز است و ارکان وی چهار معاملت است و هر رکنی را از وی ده اصل است ، چنانکه در فهرست نیز پیدا کرده شود .  
چهار عنوان و چهار رکن و چهل اصل . تمام این کتاب و فهرست وی این است که یاد کرده شود . انشاءالله تعالی .

#### فهرست :

عنوان اول - آنست که حقیقت خود را بشناسد .  
عنوان دوم - آنستکه خدای را بشناسد .  
عنوان سوم - آنستکه حقیقت دنیا را بشناسد .  
عنوان چهارم - آنستکه حقیقت آخرت را بشناسد .  
و این چهار معرفت بحقیقت عنوان مسلمانی است .  
اما ارکان معامله مسلمانی نیز چهار است : دو بظاهر تعلق دارد و دو بیاطن .  
آن دو که بظاهر تعلق دارد رکن اول گزاردن فرمان حق است که آنرا «عبادات» گویند و رکن دوم نگاهداشتن ادب است در حرکات و سکنات و معیشت که آنرا «معاملات» گویند .  
و اما آن دو که بیاطن تعلق دارد رکن اول پاک کردن دل است از اخلاق ناپسندیده چون خشم و بخل و حسد و کبر و عجب که این اخلاق را «مهلکات» گویند و «عقبات» راه دین گویند و دیگر رکن آراستن دل است باخلاق پسندیده چون صبر و شکر و محبت و رجاء و توکل آن را «منجیات» گویند .

#### رکن اول در عبادات است و آن ده اصل است :

- اصل اول - درست کردن اعتقاد اهل سنت و جماعت .
- اصل دوم - بطلب علم مشغول شدن .
- اصل سوم - در طهارت .
- اصل چهارم - در نماز .
- اصل پنجم - در زکوة .
- اصل ششم - در روزه .
- اصل هفتم - در حج کردن است



- اصل هشتم - در قرآن خواندن .
- اصل نهم - در ذکر و تسبیح .
- اصل دهم - در وردها و دقت عبادات راست داشتن .

#### رکن دوم در آداب معاملات و آن نیز ده اصل است :

- اصل اول - آداب نان خوردن .
- اصل دوم - آداب نکاح کردن .
- اصل سوم - آداب کسب و تجارت .
- اصل چهارم - در طلب حلال .
- اصل پنجم - آداب صحبت خلق .
- اصل ششم - آداب عزلت .
- اصل هفتم - آداب سفر .
- اصل هشتم - آداب سماع و وجد .
- اصل نهم - آداب امر بمعروف و نهی از منکر .
- اصل دهم - آداب ولایت داشتن .

#### رکن سوم در بریدن عقبات راه دین که آن را مهلکات گویند و آن نیز ده اصل است :

- اصل اول - در پیدای کردن ریاضت نفس و علاج خوی بد و بدست آوردن خوی نیک .
- اصل دوم - اندر شهوت شکم و فرج .
- اصل سوم - در علاج شره سخن و آفات زبان .
- اصل چهارم - در علاج بیماری خشم و حقد و حسد .
- اصل پنجم - در دوستی دنیا و بیماری طمع .
- اصل ششم - اندر علاج بخل و حرص و جمع کردن مال .
- اصل هفتم - اندر علاج دوستی جاه و حشمت و آفت آن .
- اصل هشتم - اندر علاج ریا و نفاق در عبادات .
- اصل نهم - اندر علاج کبر و عجب .
- اصل دهم - اندر علاج غفلت و ضلالت و غرور .

#### رکن چهارم در منجیات و این نیز ده اصل است :

- اصل اول - در توبه و بیرون آمدن از مظالم .
- اصل دوم - در صبر و شکر .
- اصل سوم - در خوف و رجاء .
- اصل چهارم - در درویشی و زهد .
- اصل پنجم - در صدق و اخلاص .
- اصل ششم - در محاسبه و مراقبه .
- اصل هفتم - در تفکر .
- اصل هشتم - در توحید و توکل .
- اصل نهم - در محبت و شوق .
- اصل دهم - در ذکر مرگ<sup>۱۶</sup> .

سپس غزالی در دنباله این فهرست بمنظور بیان سبب تألیف کتاب چنین ادامه میدهد :

«وما اندر این کتاب جمله این چهار عنوان و چهار رکن و چهل اصل را شرح کنم برای فارسی‌گویان و قلم‌نگاهداریم از عبارت بلند و متلق و معنی باریک و دشوار تا فهم عوام آن را دریابد چه اگر کسی را رغبت به تحقیقی و تدقیقی باشد ورای این باید که از کتب تازی طلب کند. چون کتاب «احیاء علوم‌الدین» و کتاب «جواهرالقرآن» و تصانیف دیگر که در این معنی بتازی تصنیف کرده‌ام که مقصود کتاب عوام خلقتند که این معنی را بفارسی التماس کردند و سخن را از حد فهم ایشان نتوان درگذاشت ایزد سبحانه و تعالی نیت ایشان در التماس و نیت ما را در اجابت پاك گرداناد و توفیق ارزانی دارد تا از شویب ریا و کدورت تکلف خالص گردد تا آنچه بزبان گفته‌آید بمعاملت و فاکرده شود که گفتار بی‌کردار ضایع بود و فرمودن بی‌ورزیدن سبب وبال آخرت بود انه ولی‌الاجابته<sup>۱۷</sup>.

بطوریکه غزالی خود اشاره کرده در کتاب کیمیای سعادت واحیاءالعلوم بطور مشروح و مفصل و تحقیق و تدقیق با استدلال عقلی و استنادات نقلی درباره مطالب مذکور در فهرست بیان داده‌است آنچه که از نظر سیرتصوف مورد توجه می‌تواند قرار گیرد این است که طریقه تصوف همانطور که قبلاً هم اشاره شد بتدریج از سادگی و بساطت به ترکیب و تشکل تبدیل گردیده است در آغاز کار تنها طریقت مورد نظر بوده و بعد طریقت با شریعت در آمیخته است، چنانکه در نخستین کتابهای بزرگان تصوف بحثی از عبادات و فرائض نشده و مباحث شریعت بمیان نیامده است ولی بعد بتدریج مسائل شریعت هم مورد توجه واقع شده و در این میان شاید امام غزالی نخستین کسی باشد که جمع میان طریقت و شریعت کرده و مباحث شرعی و فقهی را نیز بطور تفصیل مورد بحث قرار داده است.

#### مأخذ مقاله :

- |                             |         |                             |
|-----------------------------|---------|-----------------------------|
| ۱ - اللمع فی التصوف         | تألیف : | ابونصر سراج طوسی .          |
| ۲ - التعرف لمذهب اهل التصوف | »       | ابوبکر محمد کلاآبادی .      |
| ۳ - رساله قشیریه            | »       | ابوالقاسم هوازن قشیری .     |
| ۴ - کشف المحجوب             | »       | ابوالحسن علی جلابی هجویری . |
| ۵ - احیاءالعلوم             | »       | امام محمد غزالی .           |
| ۶ - کیمیای سعادت            | »       | امام محمد غزالی .           |
| ۷ - کشف الظنون              | »       | حاجی خلیفه .                |
| ۸ - تذکرة الاولیاء          | »       | عطار .                      |
| ۹ - نفحات الانس             | »       | جامی .                      |
| ۱۰ - سبک‌شناسی              | »       | ملک‌الشعرا بهار .           |
| ۱۱ - تاریخ تصوف در اسلام .  | »       | دکتر قاسم غنی .             |
| ۱۲ - سرچشمه تصوف در ایران . | »       | سعید نفیسی .                |

۱۶ - کیمیای سعادت صفحات ۴ و ۵ چاپ تهران بتصحیح آقای احمد آرام .

۱۷ - کیمیای سعادت صفحه ۵ چاپ تهران بتصحیح آقای احمد آرام .